

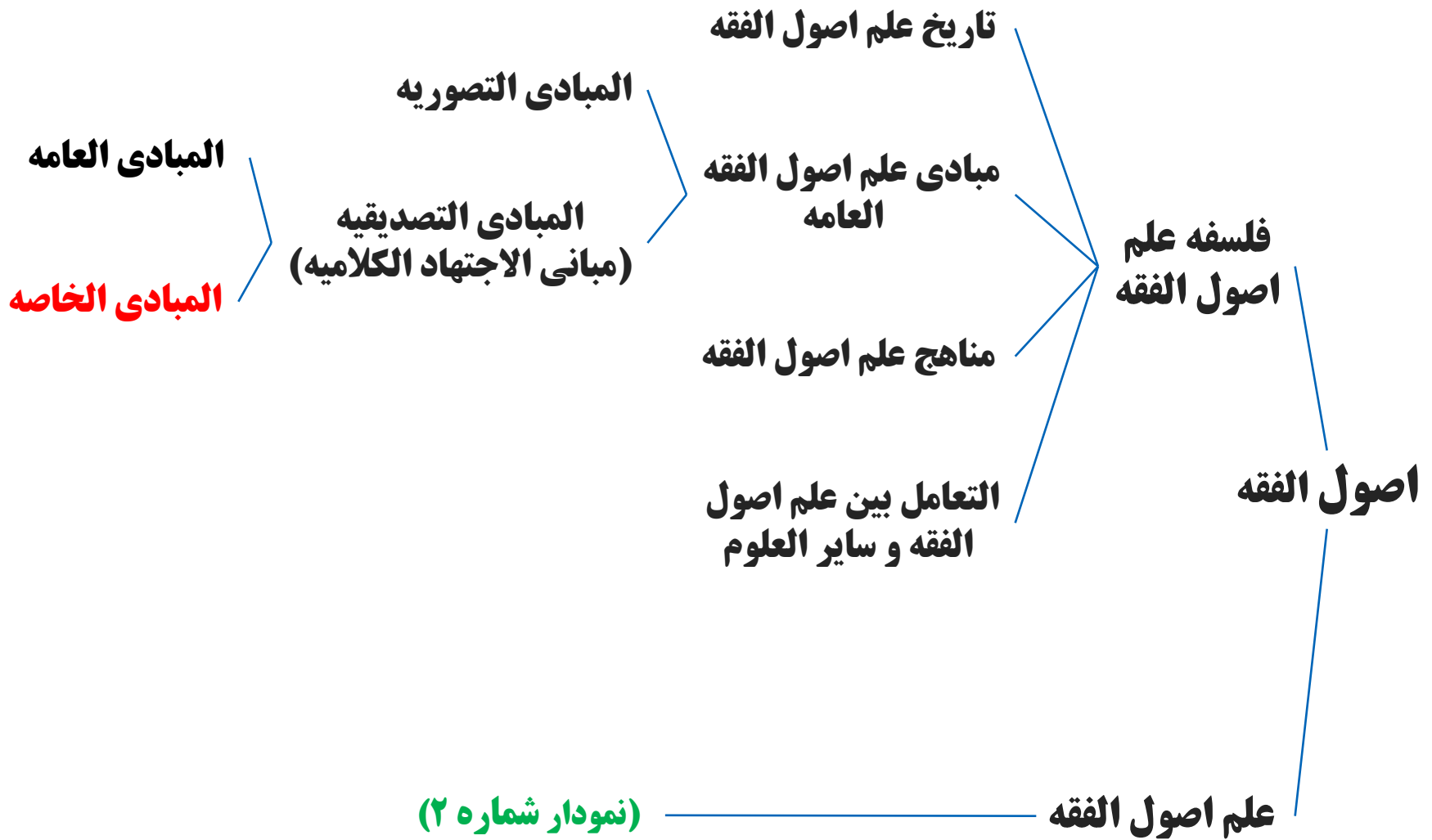
علم أصول الفقه

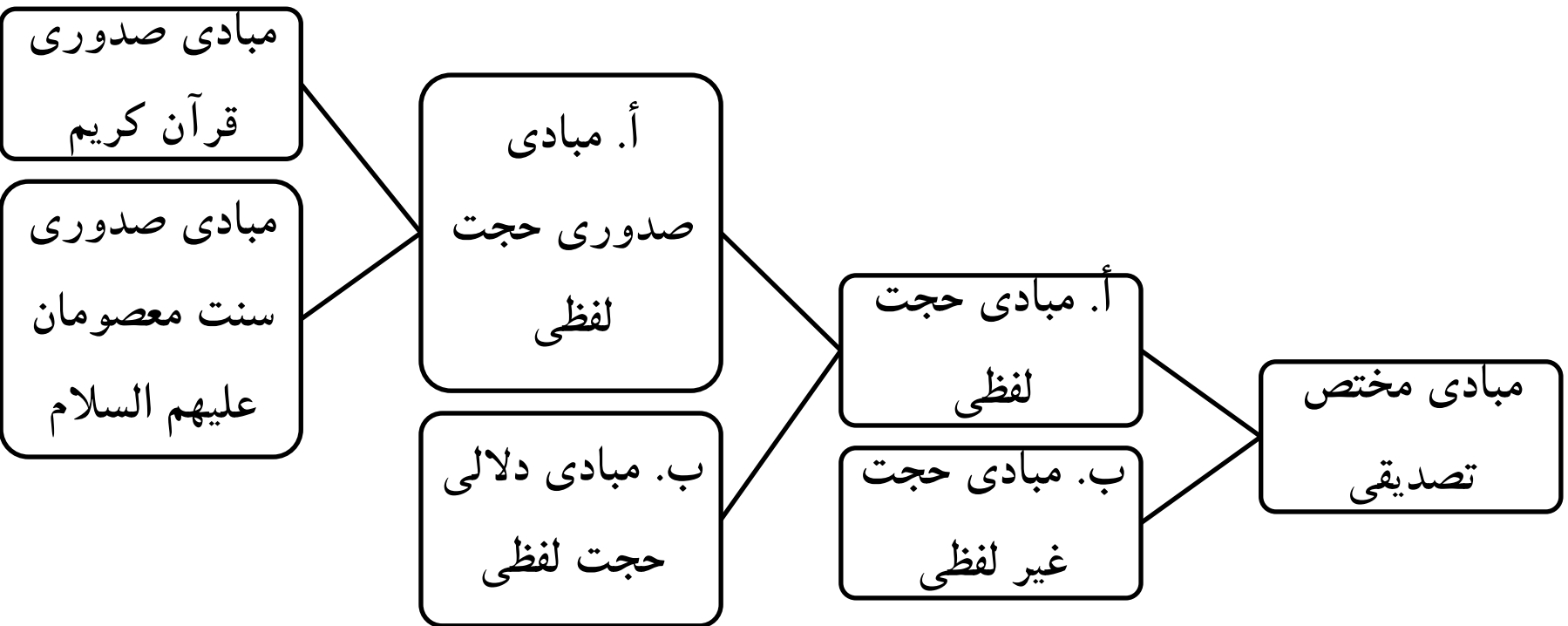
٢٧

٩٠-٩-٢٢ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

(نمودار شماره ۱)





مبادی صدور قرآن کریم

۱. خدایی بودن قرآن

۲. مصونیت قرآن از تحریف

۳. عصمت وحی

۴. عصمت پیامبر اسلام ص

مبادی
صدوری قرآن
کریم

- بحث و حیانی بودن الفاظ، تراکیب، آیات و محتوای قرآن، ما را در نهایت به این نتیجه رساند که الفاظی به صورت وحی بر پیامبر نازل شده و حضرت کتابی را به نام قرآن برای هدایت انسان‌ها به ارمغان آورده است.

- اما آیا آن قرآن به همان شکل که به دست حضرت رسیده، به دست ما هم رسیده است؟
- آیا در فاصله‌ی زمان حضرت و زمان ما، تغییراتی در این قرآن رخ نداده است؟

- بحثی که به پاسخ این سؤال می‌پردازد، بحث تحریف است.
- اما قبل از این که به اشکال و گونه‌های تحریف و دلایل عدم تحریف در قرآن پردازیم، باید مراد خود را از تحریف در این بحث دقیقاً واضح نماییم.

- مسلماً همواره برخی پیروان یک دین، حتی پیروان دین خاتم، به دلیل نقص فهم یا فاصله گرفتن از منابع اولیه دین، چیزهایی را که جزو دین نیست، جزو دین می‌شمارند یا چیزهایی را که جزو دین است، خارج از آن به حساب می‌آورند.

- فرایند تغییر و تحول در آموزه‌های یک دین، امری بوده که به صورت دائمی اتفاق افتاده یا می‌افتد؛ اما تا وقتی راه دست-یابی به آموزه‌های دین برای محقق منصف با تمام ابزارهای ممکن، میسر است، نام این تغییر و تحول را تحریر نمی‌گذاریم.

- اگر منابع و روش‌های اصلی و معتبر یک دین به گونه‌ای تغییر کند که حتی یک محقق منصف با صرف عمر و با دقت در منابع و روش‌ها، نتواند به حقایق دین پی ببرد، در این صورت دین گرفتار تحریف شده است. و این اتفاقی است که در مورد ادیان الهی قبل از اسلام مثل مسیحیت تحقق یافته است.

- وقتی با قطع نظر از قرآن، به تاریخ مسیحیت و به منابع موجود این دین مراجعه می‌کنیم، در می‌یابیم آنچه در این دین وجود دارد، نمی‌تواند دقیقاً همان چیزی باشد که به حضرت عیسی علیه السلام وحی شده است و نه تنها ما به عنوان یک مسلمان چنین مطلبی را قبول داریم، بلکه مسیحیان و کارشناسان کتب مقدس هم به این معنا اذعان دارند.

- آنها می‌دانند که مجموعه مطالب کتاب مقدس از یک سو توسط افراد بشر تألیف شده و از سوی دیگر فقط حاوی گفته‌های عیسی علیه السلام نیست.
- کتاب مقدس در واقع شامل مطالبی است که همراهان عیسی یا کسانی که این کتاب‌ها را نوشتند یا کسانی که به واسطه نقل کردند، شاهد بودند.
- به گونه‌ای که برخی مسیحی شناسان معاصر تصریح کردند که امروز برای ما ممکن نیست تشخیص دهیم کدام بخش از کتاب مقدس یا انجیل‌های اربعه، سخنان عیسای تاریخی است.

- امروز یک محقق منصف مسیحی هر چقدر تلاش نماید و به منابع مسیحی مراجعه کند، به گفته‌ی کارپنتر* نمی‌تواند تشخیص دهد کدام یک از مطالب گفته‌ی عیسی علیه السلام است و کدام یک مطالبی است که دیگران گفته‌اند.

- *همفری کارپنتر، عیسی ع، ترجمه حسن کامشاد، طرح نو، بهار ۱۳۷۴

- برخی از مسیحیان که به اسلام گرویده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که اگر قرآن نباشد، نمی‌توانیم تحریفات موجود در انجیل و تورات را تشخیص دهیم. حتی برخی از آنها در کتب خویش* به موارد تحریف در مقایسه‌ی قرآن با آیات انجیل و تورات اشاره کرده‌اند.

- *سیمای محمد ص در تورات و انجیل، ترجمه

تحریف

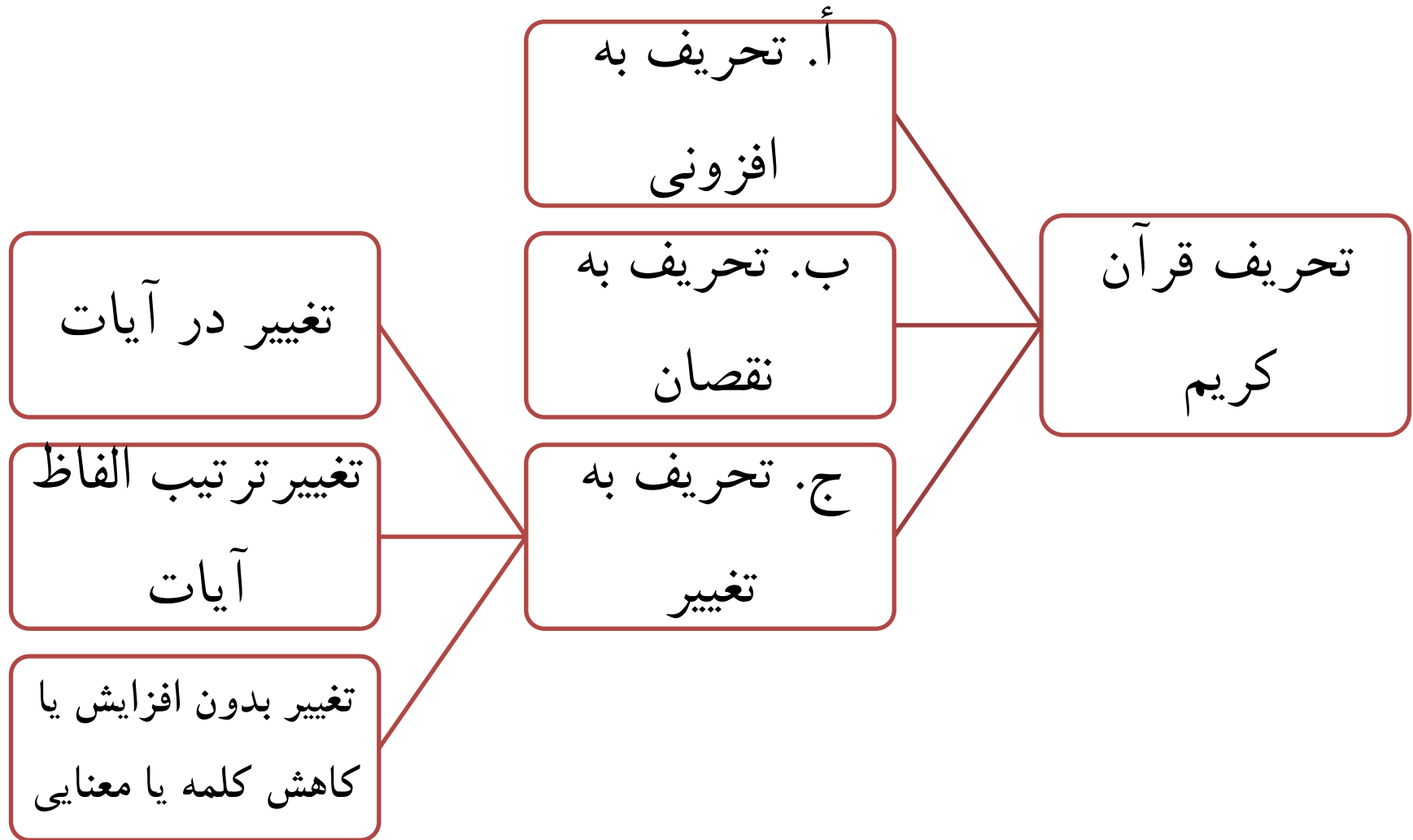
- بنابراین صرف این که در بین پیروان یک دین، مطالبی خارج از دین، وارد آن شود یا مطالب داخل دین، خارج از حوزه‌ی دین تلقی گردد، در آن دین تحریف رخ نداده است.
- وقتی دین گرفتار تحریف می‌شود که راه بشری دست-یابی به آموزه‌های اصیل دین مسدود گردد.
- اگر بشر متعارف با ابزارهای متعارف ادراکی‌اش امکان دست-یابی به آموزه‌های دین را نداشت، دین دچار تحریف شده و ضرورت دارد پیامبری دیگر مبعوث شود تا آنچه را که بشر راهی به آن ندارد، برای او بیان نماید.

تحریف

- در نظر مسیحیان عیسای غیر تاریخی همان عیسایی است که در آسمان می‌باشد و در واقع خدا است. او در یک تاریخی تجسد پیدا کرده، به زمین آمده، با بشر زیست نموده و مطالبی را برای آنها بیان کرده است. این عیسای تجسد یافته را، عیسای تاریخی می‌نامند و همان طور که بارها نیز بیان نمودیم، در باور مسیحیان عیسی خود خدا است و این مطلب جزو مسلمات دین مسیحی می‌باشد، به گونه‌ای که اگر کسی این مطلب را نپذیرد، نمی‌تواند مسیحی به معنای متعارف باشد و در نظر مسیحیان چنین کسی ملحد است. برخی از این ملحدان فقط خدای شخصی و بشری را قبول نداشتند؛ نه این که اصلاً اعتقاد به خدا نداشته باشند.

- از جمله‌ی این کتاب‌ها، کتابی است که در مورد شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تورات و انجیل نوشته شده است. نویسندگی این کتاب از طریق آیات قرآن تحریفاتی را که در مورد پیامبر خاتم در آیات انجیل و تورات واقع شده، کشف نموده است.

اشکال مختلف تحریف در قرآن



تحریف در بین مدعیان آن

- در بین اقسام تحریف، آن قسمی که هم در بین شیعه و هم در بین اهل سنت قایل دارد، «تحریف به نقصان» است.
- اخباری‌ها از شیعیان و حشویه از اهل سنت بر این رأی هستند که آیات و بلکه سوره‌هایی از قرآن حذف شده‌اند.
- اما این که عبارتی از قرآن (اعم از آیات یا سوره‌ها) توسط دیگران بر قرآن افزوده شده باشد، یا پیامبر مطالبی از نزد خویش به قرآن اضافه کرده باشد؛ در بین مسلمانان قایل ندارد.

تحریف در بین مدعیان آن

- برخی مستشرقان از قول اهل سنت روایاتی نقل کرده‌اند، مبنی بر این که برخی صحابه به قرآن چیزهایی افزوده‌اند که جزو قرآن نبوده است.
- گفته‌اند: وقتی خبر ارتحال پیامبر به خلیفه‌ی دوم رسید، وی به قصد کشتن خبر دهنده به او حمله کرد. خلیفه‌ی اول برای آرام کردن خلیفه‌ی دوم، آیه‌ی شریفه‌ی «انک میت وانهم میتون» [بی تردید تو می‌میری و مسلماً آنها می‌میرند] (الزمر : ۳۰) را تلاوت کرد.
- ادعای آن مستشرق این است که آیه‌ی شریفه از اضافاتی است که توسط خلیفه‌ی اول در قرآن صورت گرفته و قبل از آن جزو قرآن نبود.

تحریف در بین مدعیان آن

- غیر از اضافات مذکور که توسط برخی مستشرقان صورت گرفته، اضافاتی را هم به خوارج و همچنین به عبد الله بن مسعود نسبت داده‌اند.

تحریف در بین مدعیان آن

- گفته‌اند: خوارج سوره‌ی یوسف را (که احسن القصص قرآن است) جزو مواردی می‌دانند که به قرآن افزوده شده است.
- دلیلی که بر این ادعا نقل شده، عشقی بودن مضمون این داستان است.
- گفته‌اند: این داستان از مطالب عشقی که متناسب با شأن قرآن نیست، سخن می‌گوید.

تحریف در بین مدعیان آن

- در مورد عبد الله بن مسعود گفته‌اند: وی معوذتین (دو سوره‌ی آخر قرآن) را از موارد اضافات وارد شده در قرآن می‌داند؛ زیرا در واقع این دو، دعا بوده و برای ابطال سحر به کار می‌رفته‌اند و کم‌کم به قرآن افزوده شده‌اند.

تحریف در بین مدعیان آن

- خوب اگر خوارج را جزو مسلمانان به حساب آوریم و انتسابات ذکر شده، چه انتساب مربوط به خوارج و چه انتساب مربوط به عبد الله بن مسعود، را بپذیریم، می‌توانیم قول «تحریف به افزونی» را در بین مسلمانان پذیرا باشیم.
- اما اصل صحت این انتسابات چندان معلوم نیست.

تحریف در بین مدعیان آن

- بنابراین آنچه در بین مسلمانان قایل دارد، فقط تحریف به نقصان است. منشأ این ادعا، روایاتی است که بر اساس یک سری زمینه‌های تاریخی، هم در جوامع شیعی و هم در جوامع سنی، پیدا شده است.

تحریف در بین مدعیان آن

- روایاتی که اهل سنت در این زمینه نقل کرده و برای اثبات تحریف به آنها تمسک جست‌ه‌اند، از جهت تعداد به مراتب بیش از روایاتی است که شیعه در این زمینه نقل کرده است.
- همچنین از جهت کیفیت و سند، روایات اهل سنت بر اساس معیارهای خودشان به مراتب قوی‌تر از سند و منابع روایات شیعه (البته بر اساس معیارهای شیعی) است.
- یعنی روایات شیعه هم از حیث تعداد کمتر از روایات اهل سنت است و هم از نظر سند و منبع ضعیف‌تر است.

تحریف در بین مدعیان آن

- مدعیان تحریف، حشویه و اخباری‌ها، در مکتب فکری مشابه هم هستند: هر دو ظاهری‌اند و به ظواهر متون احادیث عمل می‌کنند.
- تفاوت آنها در این است که یک گروه شیعه و طرفدار ائمه علیهم السلام و گروه دیگر سنی و منکر امامت امامان معصوم علیهم السلام هستند.
- اکثر جنابله به گفته‌ی بعضی علمای اهل سنت، حشویه بودند.

تحریف در بین مدعیان آن

- ظاهری‌ها با تمسک به روایاتی که از حیث سند چندان اعتباری ندارند، قایل به تحریف قرآن شدند. آنها با حمل روایات بر ظاهرشان، نتیجه گرفتند که آیات فراوانی از قرآن حذف شده است.

تحریف در بین مدعیان آن

- طبق برخی از این روایات یک سوم قرآن حذف شده و چیزی که به دست ما رسیده فقط دو سوم آن چیزی است که بر پیامبر وحی شده بود.
- در حالی که این روایات در مقام تفسیر یا تأویل قرآن و در مقام بیان حقیقت برخی مطالب هستند؛ نه در مقام بیان تحریف قرآن.
- و ظاهری‌ها که از یک سو به تفسیر و تأویل توجهی نداشتند و از سوی دیگر در مورد سند روایت دقت نمی‌کردند، با تمسک به ظاهر روایات، معتقد به تحریف قرآن شدند.

تحریف در بین مدعیان آن

- با این وصف:
- اولاً: قشر کوچک و تعداد کمی از مسلمانان (اعم از شیعه و سنی) قول تحریف را پذیرفته‌اند.
- ثانیاً: آنها قایل به «تحریف به نقصان» بودند.
- ثالثاً: منشأ قول آنها روایاتی است که یا از حیث سند ضعیف هستند و یا از حیث دلالت. تحریف قرآن در آنها مطرح نشده است.

تحریف در بین مدعیان آن

- مطلب دیگر قابل توجه، مشخص بودن موارد تحریف در نزد برخی مدعیان تحریف است. برخی از آنان که تحریف را پذیرفتند (حال چه تحریف به نقصان که از بین مسلمانان قایل دارد و چه تحریف به افزونی که غیر مسلمانان ادعا کرده‌اند یا به مسلمانان نسبت داده‌اند)، موارد تحریف را نیز مشخص کرده‌اند. مثلاً: مرحوم نوری، سوره‌ی الولاية را آن چیزی می‌داند که از قرآن حذف شده است، او این را در کتاب خویش بیان نموده است. همین طور در مورد خوارج گفته شده مشخصاً سوره‌ی یوسف را از اضافات قرآن نقل کردند و یا عبد الله بن مسعود مشخصاً معوذتین را از موارد اضافه شده به قرآن شمرده است.

تحریف در بین مدعیان آن

- در این میان اخباری‌ها و حشویه، موارد تحریف را مشخص نکرده‌اند. آنها فقط به استناد روایات ادعا کرده‌اند که بخشی از قرآن به دست ما نرسیده است. در برخی روایات مورد تمسک آنها وارد شده است که بین فانکحوا و ما قبل آن در آیه‌ی شریفه‌ی «و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتمی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع» یک سوم قرآن یعنی حدود دو هزار و اندی آیه حذف شده است. اخباری‌ها و حشویه معین نکرده‌اند که آنچه حذف شده، شامل چه مواردی بوده است.

تحریف در بین مدعیان آن

- با دقت در سخنان مدعیان تحریف معلوم می‌گردد که در مورد تحریف به افزونی معمولاً موارد تحریف نیز مشخص شده؛ اما در مورد تحریف به نقصان همه‌ی موارد ادعا شده، مشخص نگردیده است. یعنی اگر کسی قایل به «تحریف به افزونی» است، مواردی را که به قرآن افزوده شده، بیان نموده است. اما قایلان به «تحریف به نقصان» خود دو دسته‌اند، برخی موارد تحریفی را که ادعا کرده‌اند، مشخص نموده و برخی دیگر فقط حذف مواردی را ادعا کرده‌اند، اما آنها را مشخص ننموده‌اند.

تحریف در بین مدعیان آن

- ما در بحث دلایل عدم تحریف قرآن، از این نتیجه بهره خواهیم گرفت.

تحریف در بین مدعیان آن

- علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰۷.
- واضح است در مورد خوارج دو مطلب باید مورد دقت قرار گیرد:
 - آیا آنها مسلمان به حساب می آیند؟ ب. اگر مسلمانند، آیا چنین اعتقادی داشته اند؟ اگر جواب هر دو سؤال با هم، مثبت باشد، می توان ادعای افزونی در قرآن را پذیرفت.
- ر.ک: هادوی تهرانی، صیانة القرآن عند المذاهب الاسلامیه.

تحریف در بین مدعیان آن

- واضح است از آنجا که معیار معتبر بودن سند روایات در بین شیعه و اهل سنت با هم تفاوت دارد و دقیقاً یکی نیست، قوت و ضعف سند هر یک را با معیارهای خودشان می‌سنجیم.

تحریف در بین مدعیان آن

- . روایات شیعه با روایات سنی یکی نیست. روایات شیعه نوعاً مربوط به تحریف آیات یا سوری است که مربوط به ولایت می باشد. از جمله مرحوم نوری در کتاب خویش سوره‌ی الولایة را جزو موارد حذفی قرآن ذکر می کند.
- . حنابله، پیروان احمد حنبل هستند. وی در بین ائمه‌ی چهار مذهب اصلی اهل سنت، ظاهری ترین آنها است. البته فرقه‌های ظاهری تر از احمد حنبل هم در تاریخ بروز یافتند که پیروان چندانی پیدا نکردند و تبدیل به یک مذهب رسمی نشدند؛ مثل داود ظاهری اصفهانی که از ظاهری‌های بسیار افراطی است.

تحریف در بین مدعیان آن

- ناگفته نماند که وهابی‌ها نیز، حنبلی‌اند و جالب است که آنها با آن سابقه‌ی تاریخی، دایماً در جهان اسلام تبلیغ می‌کنند که شیعیان قایل به تحریف هستند و به قرآنی که مسلمانان در اختیار دارند، هیچ اعتقادی ندارند. و انقدر این دروغ را تکرار کرده‌اند که گویا این امر جزو مسلمات جهان اسلام است. از جمله کتبی که مستند وهابی‌ها در اثبات این ادعا است، کتاب مرحوم نوری می‌باشد. مرحوم نوری - که تمام کارهای بیت مرحوم میرزای شیرازی را انجام می‌داد - در کتاب خویش، سوره‌ی الولایة را جزو مواردی ذکر می‌کند که از قرآن حذف شده است. نسخ این کتاب به محض چاپ به دستور مرحوم میرزای شیرازی جمع آوری می‌شود؛ به گونه‌ای که اگر بخواهیم نسخه‌ای از آن را بیابیم، نمی‌توانیم. اما وهابی‌ها آن نسخه را پیدا کرده و بارها و بارها به آن استناد می‌کنند. یکی از کتاب‌هایی که در این زمینه نوشته شد، یک رساله‌ی دکتری است که در سه جلد تحت عنوان «مبانی اعتقادی شیعه‌ی اثنا عشری» چاپ گردید. در این کتاب منابع بسیار زیادی از شیعه ذکر گردیده که شاید ما نتوانیم آن منابع را پیدا کنیم. برخی از آن منابع نسخه‌ای از کتب خطی علمای بزرگ است. البته آنها صدر و ذیل عبارات علما را حذف و تکه‌ای را که مورد استشهاد خودشان است، گرفته‌اند. این کتاب، کتاب درسی تمام دانشگاه‌های عربستان قرار گرفت.

تحریف در بین مدعیان آن

- در مورد اهل سنت هم گفته‌اند: آنها اعتقاد دارند که آیه‌ای مربوط به زنای شیخ و شیخه، جزو قرآن بوده و حذف شده است. اما آنچه به عنوان آیه‌ی قرآن ذکر شده، (إِذَا زَنَى الشَّيْخُ وَ الشَّيْخَةُ فَارْجُمُوهُمَا الْبُتَّةَ فَإِنَّهُمَا قَضِيَا الشَّهْوَةَ) آنقدر ناموزون و ناهماهنگ است که خودش گواه بر عدم این ادعا دارد. شایان ذکر است که حکم زنای شیخ و شیخه در روایات متعدد بیان شده است.
- . نساء، ۳.

دلایل عدم تحریف قرآن

- دلایلی چند بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند که در ضمن نقد و بررسی آنها، به میزان دلالت هر یک بر مطلب مذکور می پردازیم.

دلایل عدم تحریف قرآن

أ. آیات قرآن

ب. روایات

ج. تواتر قرآن

د. اعجاز قرآن

ه. اجماع

و. دلیل عقلی

دلایل عدم
تحریف قرآن

دلایل عدم تحریف قرآن

• أ. آیات قرآن

- آیاتی چون «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» [بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود]، و «لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه» [از پیش روی آن و از پشت سرش، باطل به سویش نمی‌آید] بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند.

دلائل عدم تحريف قرآن

- قوله تعالى: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» صدر الآية مسوق سوق الحصر، و ظاهر السياق أن الحصر ناظر إلى ما ذكر من ردهم القرآن بأنه من أهدار الجنون و أنه ص مجنون لا عبرة بما صنع و لا حجر و من اقتراحهم أن يأتيهم بالملائكة ليصدقوه في دعوته و أن القرآن كتاب سماوى حق.

دلائل عدم تحريف قرآن

- والمعنى - على هذا والله أعلم - أن هذا الذكر لم تأت به أنت من عندك حتى يعجزوك و يبطلوه بعنادهم و شدة بطشهم و تتكلف لحفظه ثم لا تقدر، و ليس نازلا من عند الملائكة حتى يفتقر إلى نزولهم و تصديقهم إياه بل نحن أنزلنا هذا الذكر إنزالا تدريجيا و إنا له لحافظون بما له من صفة الذكر بما لنا من العناية الكاملة به.

دلائل عدم تحريف قرآن

- فهو ذكر حي خالد مصون من أن يموت و ينسى من أصله، مصون من الزيادة عليه بما يبطل به كونه ذكرا مصون من النقص كذلك، مصون من التغيير في صورته و سياقه بحيث يتغير به صفة كونه ذكرا لله مبينا لحقائق معارفه.

دلائل عدم تحريف قرآن

- فالآية تدل على كون كتاب الله محفوظا من التحريف بجميع أقسامه من جهة كونه ذكرا لله سبحانه فهو ذكر حتى خالد.
- و نظير الآية في الدلالة على كون الكتاب العزيز محفوظا بحفظ الله مصونا من التحريف و التصرف بأى وجه كان من جهة كونه ذكرا له سبحانه قوله تعالى:
- «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» حم السجدة: ٤٢.

دلائل عدم تحريف قرآن

- و قد ظهر بما تقدم أن اللام في الذكر للعهد الذكري و أن المراد بالوصف لحافظون هو الاستقبال كما هو الظاهر من اسم الفاعل فيندفع به ما ربما يورد على الآية أنها لو دلت على نفي التحريف من القرآن لأنه ذكر لدلت على نفيه من التوراة و الإنجيل أيضا لأن كلا منهما ذكر مع أن كلامه تعالى صريح في وقوع التحريف فيهما.
- و ذلك أن الآية بقريئة السياق إنما تدل على حفظ الذكر الذي هو القرآن بعد إنزاله إلى الأبد، و لا دلالة فيها على علية الذكر للحفظ الإلهي و دوران الحكم مداره.

دلایل عدم تحریف قرآن

- اما اشکالاتی که در تمسک به آیات برای اثبات عدم تحریف مطرح است، مسأله‌ی دور می‌باشد.
- ما قصد اثبات عدم تحریف قرآن را داریم. اگر از خود آیات برای اثبات عدم تحریف قرآن بهره‌گیریم، دور پیش می‌آید.
- چه بسا ممکن است همان آیه‌ای که مستمسک ما است، از موارد تحریف در قرآن باشد.

دلایل عدم تحریف قرآن

- جوابی که در رفع این دور ذکر می‌شود، این است که تحریف مطرح در مورد قرآن، تحریف به نقصان است. بنابراین در فرض پذیرش تحریف، آیات موجود، واقعاً آیه‌ی قرآند. پس تمسک به آنها برای اثبات عدم تحریف قرآن بلامانع است.

دلایل عدم تحریف قرآن

- بنابراین اگر تحریف به افزونی در قرآن رخ نداده باشد، آیات مذکور هم دلالت بر عدم نقصان دارند و هم دلالت بر عدم تغییر. یعنی تمسک به آیات قرآن برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف بعد از پذیرش عدم تحریف به افزونی قابل قبول خواهد بود.

دلایل عدم تحریف قرآن

- اما همان طور که کمی قبل بیان نمودیم، مدعیان «تحریف به افزونی»، موارد تحریف شده را مشخص نموده‌اند. از آنجا که آیات مذکور جزو موارد افزونی در قرآن نیستند، می‌توان با تمسک به آنها، هر گونه تحریفی را از قرآن نفی نمود.

دلایل عدم تحریف قرآن

- به عبارت دقیق‌تر، این آیات نمی‌توانند احتمال تحریف را از خودشان نفی نمایند، اما اگر اثبات نمودیم که حتماً این آیات جزو قرآن هستند، می‌توانیم احتمال هر گونه تحریفی را از قرآن رفع کنیم.

دلایل عدم تحریف قرآن

- بنابراین اگر کسی اولاً تحریف به افزونی را بپذیرد و ثانیاً آیات محل بحث را جزو موارد اضافه شده به قرآن بداند یا حداقل احتمال افزونی آنها را بدهد، نمی‌تواند برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف به این آیات تمسک نماید و ما هم نمی‌توانیم در مقابل او به این آیات استناد کنیم.

دلایل عدم تحریف قرآن

- در واقع این نوعی استدلال جدلی خواهد بود:
- در صورت پذیرش عدم افزونی آنها، دلالتشان بر عدم تحریف واضح است؛ اما در صورت پذیرش افزونی آنها، دلالتی بر ادعا ندارند.

دلایل عدم تحریف قرآن

- ب. روایات
- روایاتی که برای اثبات مصونیت قرآن از تحریف به آنها تمسک شده است به چهار گروه قابل طبقه‌بندی هستند:

دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. روایات عرضه به قرآن: این گروه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. ۱. روایاتی که در آنها اهل بیت علیهم السلام فرمودند: هر مطلبی که از ما به شما می‌رسد، بر قرآن عرضه کنید. اگر با قرآن سازگار بود، آن را بپذیرید و اگر با قرآن مخالف بود، آن را کنار بگذارید.

دلایل عدم تحریف قرآن

• ۱- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنْ عَلِيَ كَلَّ حَقَّ حَقِيقَةً وَعَلَیَّ كُلَّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَمَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ

• ۳- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ الْحُرِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ كُلُّ شَيْءٍ مَرْدُودٌ إِلَى الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَكُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ

دلائل عدم تحريف قرآن

• ٤- مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا لَمْ يُوَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرَفٌ

• ٥- مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ خُطِبَ النَّبِيُّ ﷺ صِّبْمِنِي فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَا جَاءَكُمْ عَنِّي يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَإِنَّا قُلْتُهُ وَمَا جَاءَكُمْ يُخَالِفُ كِتَابَ اللَّهِ فَلَمْ أَقُلْهُ (الكافي ج : ١ ص : ٦٩)

دلایل عدم تحریف قرآن

- ۱. ۲. روایاتی که در آنها اهل بیت علیهم السلام فرمودند: اگر دو روایت با یکدیگر تعارض داشتند، آن که موافق قرآن است، بپذیرید و آن که مخالف قرآن است کنار بگذارید.
- قال إذا ورد لكم خبران مختلفان فما وافق كتاب الله تعالى و سنتی فخذوا به و ما خالف الكتاب و السنة فاطرحوه (العمدة ص : ۸۴)

دلائل عدم تحريف قرآن

- قُلْتُ فَإِنْ كَانَ الْخَبْرَانِ عَنْكُمَا مَشْهُورَيْنِ قَدْ رَوَاهُمَا الثَّقَاتُ عَنْكُمْ قَالَ يُنْظَرُ فَمَا وَافَقَ حُكْمُهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَخَالَفَ الْعَامَّةَ فَيُؤْخَذُ بِهِ وَيُتْرَكُ مَا خَالَفَ حُكْمَهُ حُكْمَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ وَوَافَقَ الْعَامَّةَ (الكافي ج : ١ ص : ٦٨)

دلایل عدم تحریف قرآن

- ۲- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ وَحَدَّثَنِي حُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ أَنَّهُ حَضَرَ ابْنَ أَبِي يَعْفُورٍ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَ عَنْ اخْتِلَافِ الْحَدِيثِ يَرُويهِ مَنْ نَثَقُ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ لَّا نَثَقُ بِهِ قَالَ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكُمْ حَدِيثٌ فَوَجَدْتُمْ لَهُ شَاهِدًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ أَوْ مِنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَ وَ إِلَّا فَالَّذِي جَاءَكُمْ بِهِ أَوْلَى بِهِ (الكافي ج : ١ ص : ٦٩)

دلایل عدم تحریف قرآن

- در هر دو دسته بحث مخالفت و موافقت با قرآن مطرح شده است؛ اما این مخالفت و موافقت در هر یک با دیگری متفاوت است. مقصود از مخالف قرآن در دسته اول، آن روایتی است که قابل جمع دلالتی با قرآن نیست.

دلایل عدم تحریف قرآن

- در اصطلاح می‌گوییم تعارض تباینی دارد یا عموم و خصوص من وجه است که در محل اجتماع، روایت از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌شود. این دسته به مسأله‌ی تعارض کاری ندارند و به صورت کلی بیان می‌کنند که معیار پذیرش سخن ائمه علیهم السلام، عدم مخالفت با قرآن است.

دلایل عدم تحریف قرآن

- از این رو، حتی اگر روایت با هیچ روایت دیگر در تعارض نباشد، در صورت مخالفت با قرآن کنار گذارده می‌شود. یا به بیان دیگر این روایت در همان ابتدا از درجه‌ی اعتبار ساقط است و دیگر مجالی برای تعارض آن با روایات دیگر نیست.

دلایل عدم تحریف قرآن

- اما مقصود از مخالفت با قرآن در دسته‌ی دوم، آن روایتی است که اگر چه قابل جمع دلالتی با قرآن است؛ ولی با روایت یا روایات دیگر در تعارض می‌باشد.
- به بیان دیگر در ظرف تعارض با ظاهر قرآن مخالفت ابتدایی دارد، به گونه‌ای که اگر معارض نبود، این روایت می‌توانست قرآن را تخصیص زند یا آن را تقیید کند، ولی چون از بین روایات معتبر، روایتی با آن در تعارض است، از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌شود.

دلایل عدم تحریف قرآن

- آنچه در روایات عرضه به قرآن، در بحث اثبات صیانت قرآن از تحریف، مورد استناد ما است، قرآنی است که ائمه علیهم السلام از آن سخن گفته‌اند. یقیناً آنها از قرآنی سخن می‌گفتند که بر پیامبر وحی شده و در دست مردم است؛ نه قرآنی که بر پیامبر وحی شده ولی به دست مردم نرسیده است.

دلایل عدم تحریف قرآن

- اگر آنها قرآن را به عنوان معیاری برای سنجش سخنان خود معرفی می‌کنند، قرآنی را مد نظر داشتند که امکان دست‌یابی مردم به آن ممکن بوده است.
- اگر قرآن تحریف شده بود و مردم امکان دست‌یابی به آن را نداشتند چگونه می‌توانستند صحت سخنان ائمه علیهم السلام را محک بزنند؟
- یا چگونه ائمه علیهم السلام معیار صحت روایات خود را عرضه به چنین قرآن محرفی معرفی می‌کردند؟